

متن پرسش

سلام علیکم: استاد اگر امکان اش هست یک چند تا شاخصه برای انتخاب استاد به ما بدهید. منظورم استاد سلوک و عرفان نیست، منظورم استادی است که انسان بتواند در نزدش درس بگیرد و یا مطالب اخلاقی را کار کند. بنده طلبه هستم و در شهر ما کمتر کسی پیدا می شود که فلسفه و عرفان را به خوبی کار کرده باشد لذا ناچاریم برای استفاده از مطالب حکمی، اخلاقی، عرفانی به صوت بعضی از اساتید رویاواریم. بطور مثال صوت های استاد عزیز و گرانقدر آیت الله صمدی آملی که الحق و الانصاف مطالب عرشی عرض می کنند، نفس تأثیر گذاری دارند. ما با ایشان ادب و آداب یاد گرفتیم، مبانی طهارت را آموختیم. و یا صوت های خود شما. بنده در زمان تحصیل ام در دانشگاه حدود یک سال و نیم با صوت ها و فضاهای مباحث شما زندگی کردم خصوصا نامه ۳۱ نهج البلاغه که به اراده ی خداوند زندگی ام را به جلو حرکت داد. یا گاه خود صوت های آیت الله جوادی آملی و ... اما گاهی به صوت های بعضی از اساتید برمی خوریم که با اینکه مطالب خوبی هم می گویند و از حیث حکمت و عرفان هم قوی هستند از حرف هایشان و ناخود آگاههای ذهنی شان متوجه می شوی که علم ایشان برای خودشان نافع نبوده است با اینکه شاید مطالبی بگویند که از حیث علمی قوت داشته باشد. امروزه در بعضی نهاد ها و دانشگاه های ما همایش های مفصلی برای بزرگان فلسفه و عرفان برگزار می کنند، و مطالب علمی خوبی هم بیان می شود، ولی هدف از این علوم حصولی این است که انسان توسط این علوم برای سیر و سلوک الهی رفع حُجُب کند. اما به کلیت فضای این همایش ها و جلسات عمومی که نگاه می اندازی می بینی این فضا شاید ایجاد حُجُب هم بکند تا رفع حُجُب. امروزه دیگر فضاهایی نداریم یا شاید خیلی کم داریم که شخصی مثل ملاحسینقلی همدانی بیاید و هم مطلب علمی بگوید و هم نفس ایشان چنان تأثیری داشته باشد که مستمع و حاضرین شوق به حضرت پروردگار پیدا کنند. خواستم یک سری ملاک و شاخص برای انتخاب استاد به ما بدهید. حال چه از زبان بزرگان و چه از زبان روایات، و اگر این ملاک ها رعایت نشود آیا آن علم لاینفع خواهد بود؟ چون در حدیثی دیده ام که مضمون روایت این بود که علم کسی اگر برای خودش نافع نباشد برای دیگری چگونه نافع است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نکته ی مهمی است که اگر علم کسی برای خودش نافع نباشد، برای دیگران نیز نافع نیست. ولی اگر مسیر ما برایمان مشخص شده باشد که آن مسیر سیر الی الله است. مولایمان علی «علیه السلام» به ما فرموده اند: «خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ أَتَاكَ بِهَا وَ انْظُرْ إِلَى

مَا قَالَ وَلَا تَنْتَظِرُهُ إِلَى مَنْ قَالَ» فراگیر حکمت را از هر که بیاورد از برای تو آنرا، و نگاه کن به آن چه گفته است نه به آن که گفته. لذا اساس را باید در حضور تاریخی دانست که در سیر إلى الله در متن انقلاب اسلامی محقق می‌شود. پیشنهاد می‌گردد کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه» مطالعه شود. موفق باشید